

نهج البلاغه

«غریب» و «تنها» در میان شیعیان

شیخ محمد عبده، مفتی اسبق مصر که نهج‌البلاغه را با شرح مختصری در مصر چاپ کرد و منتشر ساخت و برای اولین بار به توده مصری معرفی کرد، مدعی است که اصلاً نهج‌البلاغه را نمی‌شناخته و نسبت به آن آگاهی نداشته است، تا اینکه در یک حالت دوری از وطن این کتاب را مطالعه می‌کند و سخت در شگفت می‌ماند؛ احساس می‌کند که به گنجینه‌ای گرانبها دست یافته است. همان وقت تصمیم می‌گیرد آن را چاپ کند و به توده عرب معرفی نماید.

بیگانگی یک عالم سنی با نهج‌البلاغه چندان عجیب نیست.عجیب این است که نهج‌البلاغه در دیار خودش، در میان شیعیان علی، در حوزه‌های علمیه شیعه، «غریب» و «تنها» است، همچنانکه خود علی غریب و تنهاست.

بدیهی است که اگر محتویات کتابی و یا اندیشه‌ها و احساسات و عواطف شخصی با دنیای روحی مردمی سازگار نباشد، این کتاب و یا آن شخص عملاً تنها و بیگانه می‌ماند، هرچند نامشان با هزاران تجلیل و تعظیم برده شود.

ما مطالب باید اعتراف کنیم که با نهج‌البلاغه بیگانه‌ایم؛ دنیای روحی ای که برای خود ساخته‌ایم دنیای دیگری است غیر از دنیای نهج‌البلاغه. **مجموعه آثار استاد شهید مطهری (سیری در نهج‌البلاغه)**
ج ۱۶، صص: ۲۴۷-۲۴۶ – با ویرایش جزئی

استفتاء از رهبر معظم انقلاب اسلامی

نماز قضای پدر

س) با توجه به اینکه نماز قضای پدر بر پسر بزرگ واجب است، اگر پسر نتوانست ایستاده بخواند، آیا می‌تواند نشسته بخواند یا باید حتماً اجیر بگیرد؟ اگر نمکن مالی برای اجیر گرفتن نداشت چطور؟

ج) اگر نمازهای خود را نشسته می‌خواند و به پهلودی در آینده امید ندار، می‌تواند نمازهای قضای پدر را نشسته بخواند و لازم نیست اجیر بگیرد.

خرید گوشت در کشورهای غیر اسلامی

س) **کسانی که در کشور غیر اسلامی زندگی می‌کنند، آیا می‌توانند از قضایی که صاحب آن مسلمان است گوشت تهیه کنند، بدون اینکه یغین به تذکیه(ذبح شرعی آن داشته باشد)؟**
ج) اگر در معرض فروش مسلمانان قرار گرفته و احتمال تذکیه شرعی داده شود، خرید گوشت از مسلمان و مصرف آن اشکال ندارد.

پیش افتادن از رکوع امام جماعت

س) با توجه به اینکه کم و زیاد شدن ارکان، نماز را باطل می‌کند، اگر مأموم سهوا سر از رکوع بردارد و ببیند که امام هنوز در رکوع است، چه وظیفه‌ای دارد؟

ج) بایسد به رکوع برگردد و در این صورت زیاد شدن رکن، نماز را باطل نمی‌کند؛ ولی اگر به رکوع برود و پیش از رسیدن به حدٔ رکوع، امام سر از رکوع بردارد، نمازش باطل است.

نذر روزه در سفر

س) حکم نذر برای روز معین چیست؟

ج)اگر کسی نذر کند در روز معینی؛ مانند اول ماه رجب حتی در حال سفر روزه بگیرد، اگر آن روز در سفر باشد، باید آن روز را روزه بگیرد و واجب نیست اقدام قعد ده روز کند.

حکایت اهل راز

دو کرامت از حضرت عبدالعظیم حسنی (ع)

آیتالله سید عبدالجواد عَلم‌ الهَندی، در ضمن سخنرانی‌ای در تالار شیخ صدوق استان مقدس حضرت عبدالعظیم(ع)، دو کرامت از آن حضرت نقل کردند. من از ایشان تقاضا کردم که آنها را مکتوب کنند. ایشان در تاریخ ۱۳۷۶/۷/۲۵ من ذیل را ارسال فرمود:

مرحوم مغفور سَیِّدِ عبدالمه‌دی سلیمی نجفی، پسر دایی پدرم، که در زمان رضاخان پهلوی در تهران تبلیغ می‌کرد، به دستور طاغوت وقت دستگیری می‌شود. ایشان بعد از آزادی به ما فرمود: بعد از یک سال زندان به شهر بیرجند تبعید شدم. یکی از شب‌ها که بسیار دلنتگ بودم،به حضرت عبدالعظیم متوسل شدم و با چشم‌گریان به خواب رفتم. در رؤیا دیدم وارد مجلسی شدم که جالسین همه روحانی بودند و صدر مجلس، سید عبدالعظیم با صورتی نورانی و مجلّ نشسته است. جلو رفتم و بعد از سلام شکایت حالم را به عرض رساندم.

فرمودند: «وقتی در تهران بودی نزد ما نمی‌آمدی؛ ولی بعد از این به دیدار ما بیا.»

از خواب بیدار شدم و تا صبح فکر می‌کردم. بعد از اذان صبح مأمور شهرداری من منزل آمد و گفت: عبدالمه‌دی سلیمی اینجاست؟

در منزل رفتم و خود را معرفی کردم، گفت: مرخص شدی، هر کجا می‌خواهی برو!

بدون هیچ تعرّض و تعقیب و تهدّ به تهران آمدم و با خود عهد کردم تا آخر عمر زیارت آن حضرت را شبهای جمعه ترک نکنم.

اکرامت دوم آن بود که حقیر یکی دو سال قبل از پیروزی انقلاب اسلامی شب‌های جمعه در مجلس توسّلی شرکت می‌کردم که جمع خاصی در آن بودند و تا صبح طول می‌کشید. در آن مجلس بزرگانی بودند که در مسألهٔ احضار ارواح اولیا نصیبی داشتند. یکی از آنان شبی از قول شخصی که راضی نبود با وضع اختناق و سلطهٔ ساواک معرفی شد، این ماجرا را نقل کرد:

یکی از مشاورین محمدرضا پهلوی که تا حدّی ایمان داشت و از عقایت طغیان طاغوت ناراحت بود، از من خواست اگر ممکن است به حضرت عبدالعظیم(ع) متوسّل شوم و عقابت این سلطنت را از روح آن حضرت بپرسم. مدّتی بعد با مقدمات زیاد توفیق یافتم تا به روح مطهر آن جناب نزدیک شوم. گویا آن حضرت می‌دانست حاجت من چیست، بسا خطایی تند فرمود: «به این مرد بی‌گوبیید باید این هرزگی‌ها را کنار بگذارِی. من از خدای متعال خواستم‌ام ریشهٔ تو و اهلت را برای همیشه قطع کند.»

آنجا دیگر اجازه نداشتم سؤال دیگری بکنم، ولی اصل مطلب را گرفتم. بعد ندیم شاه را دیدم و مطلب را به او گفتم، او سخت مضطرب شد و گفت چگونه این خطاب تند را به شاه برسانم.

چندی بعد ندیم شاه گفت: به هر طوری بود خودم را آماده کردم و روزی به شاه عین جریان را بدون نقل واسطه بیان کردم. شاه معنی کلمه هرزگی را نفهمید. حسین علا – که نخست‌وزیر وقت بود – را به حضور خواست و گفت می‌گویند در مملکت هرزگی هست؟ حسین علا گفت: خاطر شهرداری آسوده باشد، هیچ‌گونه هرزگی در مملکت وجود ندارد!

کتاب: **خاطره‌های آموزنده**، نوشته **آیت‌الله محمدی ری شهری**
انتشارات دار الحدیث قم

جهان مرکز تضادهاست و آدمی همواره میان خیر و شر گرفتار است. هر روز با موارد و مصادیق بسیاری از این تضادها به ویژه در حوزه خیر و شر روبرو می‌شویم. انسان‌ها با خیر و شر در جهان از سوی خداوند آرموده می‌شوند تا در یک فرآیند تکاملی ظرفیت‌ها و توانمندی‌های خویش را آشکار سازند. در حقیقت خیر و شر در نگاه قرآن ابزاری برای آزمون بشر است تا شخص، خود را به درستی بیابد و استعداد‌های خویش را شکوفا سازد. خداوند در قرآن می‌فرماید: **نبلوکم باللر و الخیر فتنه؛ شما را با شر و خیری که فتنه است می‌آزماییم.** (انبیاء آیه ۳۵) در آیه ۱۵۵ سوره بقره به صورت مصادیقی برخی از شروری که با آن انسان آرموده می‌شود بیان شده است که از آن میان می‌توان به ترس و ناامنی و **گرسنگی و نقص در جان و مال و فرزند اشاره کر**: **ولنبلونکم بشی من الخوف والجوع**

گستره معنایی خیر

خیر چیزی است که مورد رغبت و گرایش همگان است و انسان‌ها می‌کوشند تا بدان دست یابند و از آن بهره‌گیرند. برخی از مصادیق خیر را می‌توان عقل و عدل و فضل دانست که در برابر آن شرور قرار می‌گیرد. بنابراین خیری امری است که شری را در پی نداشته و یا در درونش شری نهفته نباشد و همواره و همیشه مطلوب و محبوب انسان باشد. خیر امری است که عقل مستقل انسانی آن را مطلوب می‌شمارد و برای دستیابی بدان تلاش می‌کند. از این‌رو هرگز عقل و عدل از مطلوبیت بشر عاقل و دارای فطرت سالم بیرون نمی‌رود.

خیر بر دو گونه است: خیری که در همه حال و نزد همگان مطلوب و مورد رغبت باشد که از آن به خیر مطلق یاد می‌شود. در برابر آن خیر نسبی و مقید قرار می‌گیرد که برای شخصی خیر و برای دیگری شر و یا در زمانی خیر و در زمان و حالی دیگر شر می‌باشد.

در کاربردهای قرآنی خیر گاه به شکل اسمی و گاه به شکل وصفی به کار رفته است. در آیه ۱۰۴ سوره آل عمران خیر به شکل اسمی به کار رفته است و خداوند می‌فرماید: **ولکنن منکم امه یدعسون الی الخیر؛** باید از شما برخی و گروهی باشد که به خیر دعوت می‌کند.

در آیه ۱۶ سوره بقره خیر به شکل وصفی به کار رفته است و خداوند می‌فرماید: **نات به خیر منه؛** از این آیه خیر به معنای افضل و تفضیل و وصف به کار رفته است و خداوند فرموده که ما بهتر از آن را می‌آوریم.

در این آیه خیر به معنای بهتر به کار رفته است نه به معنای اسمی آن. به هر حال خیر چه به معنای اسمی و چه وصفی و نیز چه به معنای مقید و چه مطلق آن مطلوب بشر است اما به یقین آن چیزی که مطلوبیت تام برای بشر دارد، خیر مطلق است که در همه حال خیر باشد و گاه تغییر چهره نداده و شر نشود.

معارفMaarefkayhan@Kayhan.ir

و نقص من الاموال و الانفس و الثمرات گویی با هر خیری، شری همراه و همزاد است. انسان‌ها خود نیز نه تنها در دنیا با تضاد میان خیر و شر درگیر هستند بلکه گاهی خودشان عاملی مهم در ایجاد آن به شمار می‌آیند. به این معنا که تضادهای میان خیر و شر در دنیا هرچند امری تکوینی و بیرون از اختیار بشر است؛ اما خیر و شر در انسان به معنای رفتار خیرخواهانه و شرورانه امری اختیاری است.

اما خیر چیست و چه تاثیر در رفتار و آینده بشر دارد؟ چرا انسان باید رفتار خیرخواهانه داشته باشد و چگونه می‌تواند این‌گونه رفتاری را در پیش گیرد؟ مصادیق خیر چیست؟ در این نوشتار تلاش بر آن است تا به بخشی از این پرسش‌ها با تحلیل و تبیین آیات قرآنی پاسخ داده شود.

وصفی می‌شود در برخی از مصادیق خیر بیان می‌شود تا دانسته شود که چه کارها و یا مسائلی به عنوان خیر شناخته می‌شود تا انسان خیرخواه به دنبال آن بوده و در حق دیگران آن را انجام دهد. از آنجایی که خداوند دنیا را مزرعه آخرت

وصفی می‌شود در برخی از مصادیق خیر بیان می‌شود تا دانسته شود که چه کارها و یا مسائلی به عنوان خیر شناخته می‌شود تا انسان خیرخواه به دنبال آن بوده و در حق دیگران آن را انجام دهد.

بخل (نساء آیه ۱۲۸) مخالفت و تکذیب حق (قلم آیه ۸ و ۱۲) حرص شدید انسان (معاراج آیه ۱۹ و ۲۱) شرک و دوگانه‌پرستی (ق آیه ۲۵ و ۲۶) عناد برخاسته از کفر (همان) نفاق (احزاب آیه ۱۹) از مهم‌ترین علل و عواملی است که مانع از خیررسانی به دیگران می‌شود.



خیر و خیر خواهی در قرآن

محمدرضا طالبیان

و راهی برای تکامل انسان قرار داده است. خیر واقعی را در آخرت و پاداش‌های آنهایی می‌داند. از این رو خیر مطلق را پاداش‌های آخرتی برمی‌شمارد. (نحل آیه ۳۰ و نمل آیه ۸۹ و اعلی آیه ۱۶ و ۱۷ و ضحی آیه ۴) از دیدگاه قرآن هر امری که ناپسند و زشت و بازدارنده رشد و تکامل بشر است به عنوان ضد خیر مطرح است. لذا برهیز از اموری از این دست را خیر می‌شمارد. به عنوان نمونه اجتناب از جنگ (انفال آیه ۱۹)، دروغ (حج آیه ۳۰) فساد و تباهی در زمین (اعراف آیه ۸۵) کفر (انفال آیه ۱۹) کم‌فروشی (اعراف آیه ۸۵) گناهان کبیره (بقره آیه ۲۶۹) به عنوان خیر مطرح می‌شود.

در مقابل، هرگونه رفتار پسندیده و اعمال نیک و خوب به‌عنوان خیر مطرح می‌شود و از مردمان می‌خواهد که به این‌گونه اعمال رو آورند. از جمله این‌ا اعمال می‌توان از اجازه گرفتن هنگام ورود به خانه دیگران (نور آیه ۳۷) احترام به سائل (بقره آیه ۲۴۳) احسان و نیکی به ناتوانان (نساء آیه ۱۲۷) اسلام و ایمان (قلم آیه ۱۲) اصلاح امور (بقره آیه ۲۲۰) اطاعت از خدا (هود آیه ۸۶) اطاعت از پیامبر (نساء آیه ۵۹) اطاعت از اولوالامر (نساء آیه ۱۰۳ و ۱۰۴) اطعام مساکین (بقره آیه ۲۶) و امر به معروف و رعایت آن (آل‌عمران آیه ۱۰۴) انفاق (تغابن آیه ۱۶) جهاد (بقره آیه ۲۱۶) زکات (بقره آیه ۱۱۰) روزه (بقره آیه ۱۸۴)

علت اینکه انسان با نامه اعمالی که از درونش استخراج شده و بر گردنش آویخته ملاقات می‌کند، این است که هر کسی اعمالش را با خود به قیامت می‌برد و این‌گونه نیست که چیزی از بیرون با او همراه شود و به‌عنوان نامه اعمال به او داده می‌شود؛ زیرا خدا می‌فرماید: **مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ؛** هر کسی حسنه‌ای را با خود بیاورد، پس برایش چنین و چنان است(انعام، آیه ۱۶۰؛ نمل، آیه ۸۹، قصص، آیه ۸۴) یا می‌فرماید: **مَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَلَهُ؛** هر کسی زشتی و سیئه‌ای بیاورد پس چنان و چنان است.(قصص، آیه ۸۴؛ نمل، آیه ۱۶)

بنابراین هر کسی با نامه اعمالی که جزو شخصیت و شاکله وجودی اوست در قیامت وارد می‌شود و نامه از درون انسانی بیرون آورده شده و بر خودش عرضه می‌شود و از خودش می‌خواهند تا درباره اعمالش قضاوت کند و به محاسبه بپردازد.خود شخص وقتی اعمالش را بر معیار الهی «حق» توزین می‌کند در می‌یابد در کدام طرف قرار می‌گیرد؛ بهشت یا دوزخ.

مصادیق خیر

قرآن برای خیر مصادیقی را بیان کرده است. این مصادیق گستره بسیاری دارد و شامل خیر مطلق و مقید و خیر اسمی و

اخراج نامه اعمال از درون انسان

بر اساس تعالیم قرآن، نامه اعمال یا به تعبیر قرآنی کُتّاب اعمال، یک کتاب و نوشته درونی است که از درون هر شخصی بیرون انداخته می‌شود و نشر می‌یابد؛ خدا می‌فرماید: و هر انسانی، اعمالش را بر گردنش آویخته‌ایم؛ و روز قیامت، کتابی برای او می‌آوریم که آن را در برابر خود، گشوده می‌بیند! (این همان نامه اعمال اوست!) (و به او می‌گوییم:) کتاب را بخوان، کافی است که امروز، خود حسابگر خویش باشی!. (اسراء، آیات ۱۳ و ۱۴)

علت اینکه انسان با نامه اعمالی که از درونش استخراج شده و بر گردنش آویخته ملاقات می‌کند، این است که هر کسی اعمالش را با خود به قیامت می‌برد و این‌گونه نیست که چیزی از بیرون با او همراه شود و به‌عنوان نامه اعمال به او داده می‌شود؛ زیرا خدا می‌فرماید: **مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ؛** هر کسی حسنه‌ای را با خود بیاورد، پس برایش چنین و چنان است(انعام، آیه ۱۶۰؛ نمل، آیه ۸۹، قصص، آیه ۸۴) یا می‌فرماید: **مَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَلَهُ؛** هر کسی زشتی و سیئه‌ای بیاورد پس چنان و چنان است.(قصص، آیه ۸۴؛ نمل، آیه ۱۶)

بنابراین هر کسی با نامه اعمالی که جزو شخصیت و شاکله وجودی اوست در قیامت وارد می‌شود و نامه از درون انسانی بیرون آورده شده و بر خودش عرضه می‌شود و از خودش می‌خواهند تا درباره اعمالش قضاوت کند و به محاسبه بپردازد.خود شخص وقتی اعمالش را بر معیار الهی «حق» توزین می‌کند در می‌یابد در کدام طرف قرار می‌گیرد؛ بهشت یا دوزخ.

معارف

Maarefkayhan@Kayhan.ir

و نقص من الاموال و الانفس و الثمرات گویی با هر خیری، شری همراه و همزاد است. انسان‌ها خود نیز نه تنها در دنیا با تضاد میان خیر و شر درگیر هستند بلکه گاهی خودشان عاملی مهم در ایجاد آن به شمار می‌آیند. به این معنا که تضادهای میان خیر و شر در دنیا هرچند امری تکوینی و بیرون از اختیار بشر است؛ اما خیر و شر در انسان به معنای رفتار خیرخواهانه و شرورانه امری اختیاری است.

اما خیر چیست و چه تاثیر در رفتار و آینده بشر دارد؟ چرا انسان باید رفتار خیرخواهانه داشته باشد و چگونه می‌تواند این‌گونه رفتاری را در پیش گیرد؟ مصادیق خیر چیست؟ در این نوشتار تلاش بر آن است تا به بخشی از این پرسش‌ها با تحلیل و تبیین آیات قرآنی پاسخ داده شود.

وصفی می‌شود در برخی از مصادیق خیر بیان می‌شود تا دانسته شود که چه کارها و یا مسائلی به عنوان خیر شناخته می‌شود تا انسان خیرخواه به دنبال آن بوده و در حق دیگران آن را انجام دهد.

بخل (نساء آیه ۱۲۸) مخالفت و تکذیب حق (قلم آیه ۸ و ۱۲) حرص شدید انسان (معاراج آیه ۱۹ و ۲۱) شرک و دوگانه‌پرستی (ق آیه ۲۵ و ۲۶) عناد برخاسته از کفر (همان) نفاق (احزاب آیه ۱۹) از مهم‌ترین علل و عواملی است که مانع از خیررسانی به دیگران می‌شود.

چراغ راه

شتابزدگی عامل هلاکت است!

قال‌التبی(ص): انما اهلك الناس العجله ولو ان الناس تثبتوا لم يهلك احد».

پیامبر اکرم(ص) فرمود: مردم را در حقیقت شتابزدگی به هلاکت افکنده است. اگر مردم آرام و از شتاب‌کاری به دور بودند، هیچ‌کس هلاک نمی‌شد.^(۱)

۱-المحاسب، ج ۱، ص.۳۴۰، ح ۶۹۷

حکایت خوبان

شعار بدون پشتوانه عملی کافی نیست!

«برید عجلی» به امام باقر(ع) گفت: اصحاب شما در کوفه، جمعیت انبوهی هستند که اگر به آنها دستور فرمایید از شما بیروی می‌کنند. امام باقر(ع) پرسیدند: آیا شما می‌توانید از جیب برادر مومنتان محتاج خود را بردارید؟! «برید عجلی» پاسخ داد: خیر. امام محمد باقر(ع) فرمودند: آنها نسبت به خوششان، خسیس‌تر از مالشان هستند(جانشان را بیشتر از مالشان دوست دارند)، و از ما تبعیت نمی‌کنند!^(۱)

۱- وسائل‌الشیعه، ج ۳، ص ۴۲۵

پرسش و پاسخ

شرایط پالایش افکار و عقاید (۱)

پرسش:

از منظر آموزه‌های وحیانی اسلام، چه بسترها و شرایطی به انسان کمک می‌کند تا او بتواند افکار و عقاید صحیح و حق را تحصیل کند و از افتادن به ورطه انحراف و گمراهی نجات پیدا کند؟

پاسخ:

کسی که در جست‌وجوی حق و حقیقت است و می‌خواهد به حقایق این عالم هستی دسترسی پیدا کند و از هرگونه لغزش و انحراف مصون بماند، لازم‌مباید این بسترها و شرایطی را که ذیلا به آنها خواهیم پرداخت در سلوک نظری و عملی خود پیاده کند.
۱- تأنی

تأنی به معنای خودداری از شتاب کردن در اظهارنظر و انتظار پخته شدنن رای است. پژوهشگر و طالب حقیقت آنگاه که در مسئله‌ای می‌اندیشد، نخست به یک اندیشه ابتدایی می‌رسد که نمی‌توان بر آن اعتماد کرد. تأنی به انسان حق‌طلب و حقیقت‌جو، این فرصت را می‌دهد تا به تدریج با بررسی دقیق و توجه به جوانب گوناگون مسئله، اندیشه‌ای پخته و قابل اعتماد، عرضه بدارد. پیامبر اکرم(ص) می‌فرماید: «من تأنی اصاب اوکاد، و من عجل احطا اوکاد» آن کسی که تأنی بورزد، به واقعیت می‌رسد. یا بدان نزدیک می‌شود، آن کس که عجله کرده و شتاب بورزد، خطا می‌کند یا به خطا نزدیک می‌شود.(کنز‌العمال، ج ۳، ص ۹۹) امام علی(ع) در این زمینه می‌فرماید: «لرای مع الاناه، وینس الظهیر الرأی الفظیر» رای (درست)، با تأنی حاصل می‌گردد، و بدترین پشتوانه، رای نابخسته (خام) است.(بحارالانوار، ج ۸، ص ۸۱، ح ۷۶) نقطه مقابل تأنی عجله و شستاب کردن است. از آنچه که عجله پژوهشگر و حق‌طلب را از فرصت‌های کافی برای بررسی کامل و رسیدگی تمام‌عیار، محروم می‌کند، زمینه‌ساز لغزش اندیشه و اشتباه در بررسی حقیقت می‌گردد. امام علی(ع) می‌فرماید: «العجل یوجب العثار» شتاب کردن سبب لغزش(اندیشه) می‌شود.(غر‌الحکم، ح ۴۳۲) امام علی(ع) به فرزندش امام حسن(ع) چنین سفارش کرده است: **انهاک عن السرع بالقول و الفعل؛** تو را از شتاب‌زدگی و گفتار و کردار برحذر می‌دارم.(بحارالانوار، ج ۱، ص ۳۳۹، ح ۵)
۲- تجربه

به‌طور طبیعی، نظر و رای کسانی که در اظهارنظر و بررسی‌های حقیقت‌جویانه خود، از تجربه و خبرویت بهره کافی نمی‌برند، به افتکار و عقاید نادرست و غیرواقعی نزدیک‌تر است. امام علی(ع) در زمینه نقش تجربه و تاثیر آن در شناخت و افکار صحیح می‌فرماید: «کل معرفه تختاج الی التجارب» هر شناختی به تجربه‌هایی نیازمند است.(مطالب السؤل، ص ۵۰) آن حضرت در روایتی دیگر می‌فرماید: «فی التجارب علم مستفاد» در تجربه‌ها در دانش جدید (زمینه) است(الکافی، ج ۸، ص ۲۲، ح ۴) هرچقدر تجربه انسان در زمینه‌هایی که اظهارنظر می‌کند افزون‌تر گردد، اظهار نظرش به واقعیت نزدیک‌تر می‌شود. به تعبیر دیگر هرکس با تجربه‌تر و خیره‌تر باشد رای و نظرش متقن‌تر و استوارتر است. امام علی(ع) در این رابطه می‌فرماید: «رای الرجل علی قدر تجربته» (ارزش) رای آدمی، به اندازه تجربه و خبرویت او است.(غر‌الحکم، ح ۵۴۲) در حدیثی دیگر می‌فرماید: «ملک الناس لسهاد الرأی کل مجرب» سرآمد مردم در داشتن رای و نظر استوار، انسان‌های باتجربه‌اند.(غر‌الحکم، ح ۳۰۴۸) بنابراین دانشی که از راه تجربه به دست می‌آید دقیق‌تر و استوارتر از دانشی است که فقط در فضای درس و بحث و در عرصه نظری به دست می‌آید. این یک قاعده عمومی است که در هر زمینه‌ای کاربرد فراهم شده، کارها محکم‌تر و استوارتر می‌گردد. امام علی(ع) این مطلب را به صورت شفاف در این عبارت ارزشمند فرموده‌اند: «من حفظ التجارب اصابت افعاله» آن کس که تجربه آموزد، رفتارش استوار و به هدف می‌رسد.(غر‌الحکم، ح ۹۱۸) بنابراین تجربه، بستر و شرایط اندیشه صحیح و پالایش افکار و عقاید غلط و انحرافی را برای انسان به وجود می‌آورد. اینکه گفته‌اند: «التجربه فوق العلم» تجربه ارزشمندتر از علم است به این دلیل است که محصول کار فرد مجرب، سالم و قابل اطمینان است و حادثه ناگوارِی به بار نمی‌آورد.

۱- نبرد حق و باطل، شهید مرتضی مطهری(ره)، ص ۱۸

سلوک عارفانه

نزاع همیشگی حق و باطل و غلبه نهایی حق و حقیقت

جامعه مزموچی است از خیر و شر. این نزاع و درگیری حق و باطل همیشه در صحنه وجود فرد و در صحنه اجتماع محکم‌ما است... البته ما معتقدیم که غلبه نهایی با حق و حقیقت است. عدل بر ظلم غلبه خواهد کرد و خیر بر شرش پیروز خواهد شد، نور بر ظلمت غلبه خواهد کرد و دین بر کفر پیروز خواهد شد. ^(۱)

۱- نبرد حق و باطل، شهید مرتضی مطهری(ره)، ص ۱۸

صفحه معارف روز های: شنبه ، یک‌شنبه
سه‌شنبه و پنج‌شنبه منتشر می‌شود
تلفن‌های مستقیم: ۳۳۹۶۱۹۹۱ – ۳۵۲۰۲۲۲۱
Maarefkayhan@Kayhan.ir

صفحه ۷

شنبه ۲۴ اردیبهشت ۱۴۰۱

۱۲ شوال ۱۴۴۳ – شماره ۲۲-۲۳

